

ماهنامه فرهنگی - قرآنی آسوه مجتمع فرهنگی علمی شهدا

ربیع الاول ۱۳۹۸-۱۴۴۱ / سال ششم / شماره ۸۳ / ۱۲ صفحه

موسسه قرآن و عترت آسوه زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با شماره ثبت ۳۰۳۴۲ فعالیت می نماید



شهدا، شاهد
بر باطن حقیقت عالمند و هم آن‌ها
که به دیگران بحیات می‌بخشند.



رسول خدا ﷺ فرمود:

نمونه مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، چون یک تن است که چون تیکه‌ای از آن بیمار شود همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد.

بحار الانوار، ترجمه کمره‌ای، ج ۵، ص ۱۴۲

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

ذکر و یاد خداوند متعال، مرگ و حالات آن، تلاوت و تدبیر قرآن و نیز صلوات و درود فرستادن بر حضرت رسول و اهل بیتش علیهم السلام را زیاد و به طور مکرر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آنها، ده حسنه و ثواب است.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲

وحدت شیعه و سنی به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره طیبه - شجره طیبیه جمهوری اسلامی و ملت ایران - شجره طیبیه‌ای است که «أصلها ثابت و فرعها فی السماء». روزبه‌روز به فضل الهی، ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است. رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که او این راه را جلوی پای ما باز کرد، و رحمت خدا بر شهیدان عزیز ما که آنها بودند که جان خودشان را در این راه گذاشتند و توفیقات را برای ملت ایران به وجود آوردند؛ ان شاء الله در آینده هم همین خواهد بود. اگر [برادران مسلمان، وحدت را، اتحاد را، یک‌زبانی را، یکدلی را در همه منطقه اسلامی در نظر بگیرند، بر همه این توطئه‌ها ان شاء الله غالب خواهند شد به فضل الهی.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷

اینهایی که در صدد این معانی هستند، بدانند که اگر همه قدرت‌های خودشان را هم جمع نکنند نمی‌توانند به یک ملتی که همه با هم فریاد الله اکبر می‌زنند، نمی‌توانند اینها با آنها مقاومت کنند؛ بیخود در صدد تفرقه‌اندازی هستند. مسلمان‌ها برادرند و تفرقه پیدا نمی‌کنند با تبلیغات سوء بعض عناصر فاسد. اصل این مسئله که شیعه و سنی، شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کردند پیش آمده است. چنانچه بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را با هم به مبارزه و می‌دارند، و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه‌ای را به طایفه دیگر، در مقابل هم قرار می‌دهند. امروز روزی است که تمام طوایف مسلمین مقابل هستند با قدرت‌های شیطانی که اساس اسلام را می‌خواهند از بین ببرند؛ آن قدرت‌هایی که دریافته‌اند که آن چیزی که خطر برای آنها دارد اسلام است، آن چیزی که خطر برای آنها دارد وحدت ملت‌های اسلامی است. امروز روزی است که [باید] تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۵۳



اسلام کارخانه انسان‌ساز



اسلام باید محرک ما و محرک همه وجود ما باشد. ما باید در کارخانه اسلامی ساخته شویم. باید هر یک از ما به انسان جدیدی تبدیل شود؛ یعنی انسان مسلمان؛ انسانی که از خدا و پیامبر و اولی الامر اطاعت می‌کند، انسانی که از خدا اطاعت می‌کند و خدا ولی اوست و «از کسانی که نماز می‌خوانند و همچنان که در رکوعند، انفاق می‌کنند.» (مأئده، ۵۵) اطاعت می‌کند. باید فعالیت‌ها و گرایش‌های ما برگرفته از آنان باشد. اسلام این است. تشیع این است. دین این است. ولایت این است. و گرنه دینی که چنین نباشد، هیچ نقش و هیچ تأثیری ندارد. کدام یک از حرکت‌های دنیای معاصر برخاسته از دین است؟ کدام یک از موج‌های جامعه، کدام یک از تمدن‌های جهان، کدام تحول تاریخی، کدام یک از سیره‌ها و روش‌های ما، کدام لباس پوشیدن ما رنگ و بوی دین دارد؟ دین از صحنه زندگی ما غایب است. در زندگی عادی ما اصلاً حضور ندارد. تنها شیخ و شکل و رنگ آن باقی مانده است. اگر نمی‌خواهیم خود را بسازیم و اگر براساس دین حرکت نمی‌کنیم، دیگر چرا آبروی دین را می‌بریم؟ چرا دین را نادرست جلوه می‌دهیم؟ دین صحیح این است که هر یک از ما به محمد کوچک و علی کوچک تبدیل شود و کار و تلاش کند. دین این است و غیر آن لغو و پوچ. راه بسته نیست، به هیچ وجه. می‌توانیم شروع کنیم و به تدریج بکوشیم تا دیگران را برای خدا دوست بداریم و با دیگران برای خدا دشمنی کنیم. اندکی برای خدا کار کنیم، برای خدا از کسی طرفداری کنیم، اندکی صدایمان را برای خدا بالا ببریم و همه امور این‌گونه پیش رود.

منبع: امام موسی صدر، انسان آسمان، صص ۱۰۰ و ۱۰۱

فواید رعایت حدود

اگر انسان مسلمان بخواهد متمدن به تمدن اسلامی باشد و دیگران را به حقایق اسلام دعوت کند، یا افراد مسلمان را در اسلام برقرار و ثابت نگاه دارد که به بلاد مختلفه کفر فرار نکنند، باید کاملاً حقوق و حدود اسلامی را بشناسد و به آنها عمل کند!

منبع: محمدتقی بهجت، جرعه وصال، ص ۹۱

از راه دور

امام صادق علیه السلام به سدید فرمود: ای سدید! چرا هر جمعه پنج مرتبه و روزی یک‌بار به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی‌روی؟
گفتم: فدایتان شوم. بین من و آن قبر فرسنگ‌ها فاصله است.
فرمود: بر بام خانه‌ات بایست و راست و چپ را بنگر و آنگاه سر به آسمان بلند کن و رو به سمت قبر حسین علیه السلام بگردان و بگو: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» هر گاه چنین کنی، برای تو پاداش «زوره» را نویسند و زوره، یک حج و یک عمره است،
سدیر گوید: گاه در یک روز، بیش از بیست مرتبه این زیارت را به جای می‌آورم.

منبع: کامل زیارات، ص ۲۸۶، باب ۹۶، ح ۱

بیست و سوم ربیع‌الاول: ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به شهر قم ۲۱۰ هـ ق
بیست و ششم ربیع‌الاول: صلح امام حسن علیه السلام با معاویه ۴۱ هـ ق
پنجم آبان: تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان حضرت امام ۱۳۵۸ هـ ش و روز بسیج‌مستضعفین
بیست و نهم ربیع‌الاول: حرکت امیرالمؤمنین علیه السلام برای جنگ جمل ۳۶ هـ ق

نهم ربیع‌الاول: آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام ۲۶۰ هـ ق
دهم ربیع‌الاول: ازدواج حضرت محمد علیه السلام با خدیجه کبری علیها السلام سال ۲۵ عام الفیل
دوازدهم ربیع‌الاول: میلاد مسعود پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به روایت اهل سنت و آغاز هفته وحدت - قیام مختار در کوفه سال ۶۶ هـ ق
هفدهم ربیع‌الاول: میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول عام الفیل - زادروز فرخنده امام جعفر صادق علیه السلام سال ۸۳ هـ ق

اول ربیع‌الاول: هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله - نخستین سال هجرت ليله المیبت و نزول آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سیزده آبان: تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام ۱۳۵۸ هـ ش و روز دانش‌آموز
هشتم ربیع‌الاول: شهادت امام حسن عسکری علیه السلام سال ۲۶۰ هـ ق

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری

در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)

ایران، همه دل‌های پاک و روح‌های نالوده که می‌خواهند وظیفه الهی و انسانی خودشان را انجام بدهند، [اگر] در راه ایستادگی و مقاومت، در مقابل دشمنان دین و بشریت بایستند، قطعاً خدای متعال آنها را حمایت خواهد کرد؛ وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ. همچنان که ما در این چهل سال به توفیق الهی پیروز شدیم، در



آینده، در گام دوم، در گام‌های بعد به توفیق الهی بر همه موانع غلبه خواهیم کرد و بر دشمنان پیروز خواهیم شد.

امید به جوان‌ها است؛ نه اینکه غیر جوان‌ها در این راه وظیفه‌ای ندارند؛ چرا، غیر جوان‌ها هم وظیفه دارند، پیرها هم وظیفه دارند. شما ملاحظه کردید که امام بزرگوار ما در کهولت، در پیری مثل جوان‌ها حرکت می‌کرد، مثل جوان‌ها حرف می‌زد، مثل جوان‌ها می‌اندیشید؛ منتها موتور پیش‌برنده در هر جامعه‌ای جوان‌ها هستند. جوان‌ها بایستی خودشان را آماده کنند، فکرشان را آماده کنند، ترفند دشمن را بشناسند. اولین آماج تهاجم دشمن عبارت است از فکر شما، از ذهن شما، از آنچه حاکم بر اندیشه شما است؛ این اولین آماج دشمن است. با انواع حيله‌ها سعی می‌کند این تفکر را تغییر بدهد؛ وقتی فکر عوض شد، به طور طبیعی عمل عوض خواهد شد. نگذارید فکرها را عوض کنند، نگذارید انگیزه‌ها را ضعیف کنند؛ نگذارید قدرت درونی ایمان و همت عالی شما را دشمن با ترفندهای خودش از بین ببرد. محکم بایستید، به خدا توکل کنید، و خدای متعال ان شاء الله با شما است؛ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. (سوره بقره، بخشی از آیه ۱۹۴) خدا با اهل تقوا است، خدا با اهل حرکت در راه او است و مجاهدین را ان شاء الله نصرت خواهد داد. ۲۱ مهرماه ۱۳۹۸

ما از اول انقلاب، یک حرکتی را آغاز کردیم. در بخش آرمان‌ها، در بخش زندگی مردم، در بخش ساختن کشور و در بخش تربیت انسان‌ها، حرکت‌های بزرگی شروع شده و توفیقات بزرگی هم به دست آمده. البته کمبودها زیاد است، مشکلات کم نیست؛ اما موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها از این مشکلات بیشتر است. حرکتی که تا امروز انجام گرفته حرکت بُهت‌آوری است برای کسانی که بتوانند ابعاد این حرکت را درک کنند. خوب، حالا جهت این حرکت باید معلوم بشود برای ادامه کار. جهت حرکت چیست؟ ما حسینی هستیم دیگر؛ جهت حرکت را امام حسین (ع) معین کرده.

... بنده مفضل یک وقتی راجع به تبیین حرکت اباعبدالله عرض کرده‌ام؛ بعضی می‌گویند امام حسین (ع) حرکت کرد که قدرت را بگیرد - از مردمان مؤمن هم این حرف را می‌زنند - اشتباه می‌کنند؛ بعضی [هم] می‌گویند حرکت کرد تا شهید بشود. من می‌گویم حرکت کرد تا وظیفه را انجام بدهد؛ منتها در راه انجام وظیفه، یک احتمال این است که آدم به قدرت برسد، چه عیب دارد؟ یک احتمال این است که انسان شهید بشود، چه عیب دارد؟ مقصود این است که ما بتوانیم این عمل را انجام بدهیم، این وظیفه را انجام بدهیم؛ مسئله این است؛ در پیش روی جمهوری اسلامی این است.

علت اینکه ما در مقابله با آمریکا کوتاه نمی‌آییم این است. اینکه ما در مقابل فشار تبلیغاتی دشمنان، کم نمی‌آوریم به توفیق الهی، به خاطر این است؛ چون یک وظیفه است؛ اگر چنانچه نکرديم، کان حقا علی الله ان یدخلنا مدخله. اگر ما کوتاه بیاییم، خدای متعال ما را هم به همان سرنوشتی و همان دوزخی که آن ستمگر را مبتلا خواهد کرد مبتلا می‌کند؛ وظیفه ما این است، این جمهوری اسلامی است. اینکه دیدید امام از اولی که وارد این مبارزه شد، با آمریکا مواجه شد - امام هنوز در قم سخنرانی می‌کرد و هنوز تبعید نشده بود که اینجا صحبت از آمریکا [می‌کرد]؛ آن روز امام (ع) در قم، در سخنرانی فرمود امروز منفورترین فرد در کشور ما رئیس‌جمهور آمریکا است؛ صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۰) این قضیه برای پنجاه سال قبل است - به خاطر این است. امام بصیر بود، چشمش باز بود، حقیقت را می‌دید، می‌فهمید؛ و امیدوار بود، باور داشت که خدای متعال فرموده است: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ (سوره حج، بخشی از آیه ۴۰) آن کسی که خدا را نصرت کند، خدا قطعاً او را نصرت خواهد کرد و نصرت کرد.

و من به شما عرض می‌کنم که جوانان عزیز! این راه را با قدرت ادامه بدهید، پیش بروید؛ نه فقط شما [بلکه] همه جوانان ملت

تربیت در محیط خانوادگی

ادب؛ ارثی جاودانه برای فرزندان

قسمت سوم

آیت الله مجتبی تهرانی



می‌رود. و این ادب است که موجب می‌شود شخصی به شکل انسانی، الهی بشود؛ یعنی ملکات الهی پیدا کند.

نقش پدر و مادر در الهی شدن فرزند

در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که نقش پدر و مادر در این مسئله چیست؟ آن کسانی که پرورش دهنده انسان هستند؛ یعنی والدین، چه نقشی در رابطه با الهی شدن فرزند دارند؟ چون اولین محیط که می‌خواهد انسان را بسازد اینجاست. منشأ غیرت آنها محبت است و غیرتشان هم غیرت حیوانی نیست، غیرت انسانی و الهی است، بعد معنوی انسان است.

اگر والدین می‌خواهند فرزند از نظر باطن، صورتی الهی و انسانی پیدا کند، بدانند این امر از همان تربیتی که آنها می‌کنند، تحقق می‌یابد. درباره نقش والدین تعبیراتی وجود دارد که همه آنها متخذ و برگرفته از معارف ماست. مانند اینکه نقش والدین مانند نقش زارع و دهقان است؛ اما با تفاوت‌هایی! زارع، هم باید زمین را شخم بزند و آماده کند، هم بذر بپاشد یا نِشا کند و بعد هم آبیاری بکند تا آرام، آرام، محصول برسد و ثمر دهد.

تربیت فرزند از زراعت آسان تر است

والدین هم، نقش زارع و دهقان را دارند، اما به یک معنا خیلی آسان تر. شاید این تعبیر را تا به حال نشنیده باشید که تربیت برای والدین خیلی آسان تر است نسبت به کاری که زارع و دهقان برای محصولش انجام می‌دهد، نه سخت‌تر!

زارع باید سه کار بکند؛ هم باید زمین را شخم بزند و آماده کند، هم بذر را بپاشد، هم آبیاری کند. بعد بنشیند دستش را روی هم بگذارد ببیند ثمری می‌گیرد یا نه. ولی در مورد تربیت طفل لازم نیست دو کار اول را بکنی، یک کار بکن. چون از نظر زمین، زمین آن طفل

ادب؛ سازنده شاکله وجودی هر شخص

چرا مال از بین رفتنی است و ادب باقی می‌ماند؟ زیرا ادب شاکله وجودی و روحی انسان را می‌سازد و شکل به آن می‌دهد. وجود برزخی ما هم تا قیامت، همان شاکله وجودی است.

شاکله وجودی هر فردی که ظاهراً شبیه انسان است، ممکن است انسان نباشد. باطن او را که تو نمی‌بینی! چشم برزخی تو باز نشده است تا بفهمی در باطن او چه هست! باطن هر کس شکل خاص خودش را دارد. ممکن است باطن انسان یک گرگ درنده‌ای باشد. وقتی از این عالم دارد می‌رود، می‌فهمد انسان می‌رود، یا یک حیوان

مرز نیکی مرد به همسر

مرز نیکی مرد به همسر آن است که به نیازهای واقعی و اصیل او توجه و زمینه رفاه و آسایش او را به گونه‌ای شایسته فراهم کند. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! هر مردی که از همسرش پیروی کند خدا وی را به چهره در آتش می‌افکند. علی علیه السلام پرسید: این پیروی چیست؟ آن حضرت فرمود: به همسرش جهت رفتن (بدون پوشش) به حمام‌های عمومی و عروسی‌ها و سوگواری‌ها و پوشیدن لباس نازک اجازه دهد. به فرموده پیامبر ﷺ هرگاه زنی در حالی که آرایش کرده و معطر است از خانه‌اش خارج شود و همسرش از این عمل او خشنود باشد، برای آن همسر در برابر هر قدمی که آن زن برمی‌دارد، خانه‌ای از آتش ساخته می‌شود. پس بال‌های زنان تان را کوتاه کنید. در بلندی بال‌هایشان پشیمانی است و کیفر آن آتش است و در کوتاهی بال‌های آنان خشنودی و سرور و بی‌حساب وارد بهشت شدن است. وصیت مرا درباره زنان تان حفظ کنید تا از دشواری حساب نجات یابید و هر کس وصیت مرا حفظ نکند نزد خدا چه حال بدی خواهد داشت! همچنین از رسول خدا ﷺ روایت شده که هرگاه امت من به چند خصلت عمل کنند بلا بر آنان فرود آید، از جمله اینکه مرد از همسر خود پیروی و از مادرش نافرمانی کند.

منبع: مفاتیح‌الحیات، آیت‌الله جوادی آملی، چکیده صفحات ۲۵۸ و ۲۵۹

آماده است، هیچ شخم‌زدن نمی‌خواهد. در روایتی که جلسه گذشته مطرح شد دیدید که علی علیه السلام به این مضمون فرمودند که بچه‌های که تازه در دامن تو چشم باز کرده، صفحه روح او، قلب او، پاک است. هیچ سنگ و کلوخی در آن نیست. اتفاقاً سریع هم اثر می‌گذارد هم سریع است و هم عمیق. هر دو در تعبیر حضرت وجود دارد. بذر هم لازم نیست تو بیاشی، بذر آن را خدا پاشیده است. بذرش همان عقل عملی است. تمام اموری که از دیدگاه عقل ما حسن است یا قبیح است، همه اینها را می‌داند؛ اما به صورت بالقوه است، استعداد است. تو فقط این را در طفل به فعلیت برسان. یعنی اینکه تو فقط باید آبیاری بکنی. زمین آماده است، نسا را خدا کاشته است، بذر را پاشیده است. تو می‌توانی خیانت نکنی؟! می‌توانی جنایت نکنی!؟

ادب، آب حیات تربیت انسان است

حرف این است که ای پدر و مادر! فقط آب بده! علی علیه السلام فرمودند: نیاز ذوی‌العقول به ادب، مانند نیاز زرع است به باران. این عقل، عقل نظری نیست، عقل عملی است. همه انسان‌ها احتیاج به ادب دارند، اما می‌دانی ادب برای آنها مثل چه می‌ماند؟ احتیاج‌شان مثل این است که زرع احتیاج به باران داشته باشد، نقش ادب مانند نقش باران و آب است. والدین باید فقط کاری کنند که عقل عملی طفل، به فعلیت برسد. به فعلیت برسد یعنی چه؟ یعنی عقل عملی را که جنبه استعدادی دارد و به صورت بالقوه است، شکوفا کنند.

تربیت از دو طریق سمعی و بصری است

بنابراین، تو اگر می‌خواهی چیزی برای او به ارث بگذاری، یک چیزی را انتخاب کن که در تمام نشئات وجودی‌اش از آن بهره بگیرد و آن تربیت است. تربیت مانند مسئله زراعت است؛ اما با این تفاوت که

خیلی آسان‌تر از آن است. خدا کاشته است. تو خرابکاری نکن! فقط آن را آب بده! حالا با چه چیزی آب بدهی؟ از دو طریق سمعی و بصری. ملکات ما بر اثر تکرار ایجاد می‌شود. هنگامی که بچه به دنیا می‌آید، از نظر درونی اینگونه است که یک قوه حافظه دارد (اتاق بایگانی). هر چه به او بگویی و هر چه ببیند، سریع می‌برد و در اتاق بایگانی‌اش می‌گذارد. سرعت گیرندگی‌اش زیاد و عمیق است. وقتی هم رفت آنجا، به این زودی بیرون نمی‌آید. وقتی که این کار تکرار شد، به صورت ملکه در می‌آید و شاکله او را تشکیل می‌دهد. شاکله وجودی معنایش این است که ملکات، از دو راه سمعی و بصری شاکله وجودی و درونی انسان را تشکیل می‌دهد.

ما در روایاتمان داریم که بچه وقتی به دنیا آمد، مستحب است همان روز اول، در گوش راست او اذان گفته شود و در گوش چپ او اقامه. یعنی اولین صوت و آهنگی که از راه سمع و گوش به او می‌رسد، توحید و نبوت و... باشد.

روایتی از امام باقر علیه السلام است و هم از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «بچه وقتی به سه سالگی رسید به او هفت مرتبه اینگونه گفته شود که: بگو: لا اله الا الله سپس رها شود.» چرا هفت بار؟ برای اینکه این کلام با تکرار، ملکه او بشود و یادش نرود.

تأثیر مخرب صداهای شیطانی بر تربیت کودکان

معارف ما این است؛ انسان الهی بساز، از همان کوچکی، از روز اول، کلام الهی به گوشش بخورد. آهنگ الهی را بشنود نه آهنگ شیطانی را. وای به حال آن جامعه‌ای که اطفال آن به آهنگ شیطانی معتاد بشوند. به خدا قسم اگر می‌گفتند این آهنگ‌های شیطانی استحباب دارد، اینگونه اصرار نمی‌بود. می‌فهمید چه دارید می‌کنید؟ دشمنان تان دارند به اهداف‌شان می‌رسند.

زندگی به سبک مولا

راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگوبلبن، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلوی‌اش از تمام مردم فرو رفته‌تر و شکمش از همه خالی‌تر بود.

دنیا را به او نشان دادند، اما نپذیرفت و چون دانست خدا چیزی را دشمن می‌دارد آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می‌دانست. اگر در ما نباشد جز آنکه آنچه را خدا و پیامبرش دشمن می‌دارند، دوست بداریم، یا آنچه را خدا و پیامبرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا، و سرپیچی از فرمان‌های او کافی بود!

خطبه ۱۶۰

رهارد

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶)

وجه جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است. پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست.

ملت ایران پرچم حاکمیت معنویت و دین را بر زندگی بشری برافراشته و در دست گرفته. این، خیلی مهم است. می‌گوید من می‌خواهم انسان‌ها را در سایه معنویت به سعادت، به خوشبختی، به رفاه، به امنیت، به پیشرفت علمی و به استقلال برسانم، و ثابت کرده که این، شدنی است. این یک هم‌اوردطلبی بزرگ نسبت به استکبار جهانی است و فلسفه‌های آنها را باطل می‌کند، روش‌های آنها را یکسره زیر سؤال می‌برد. اگر این ملت بتواند خودش را به قله‌های پیشرفت و علم و ترقی برساند، یک دروازه عظیمی جلوی راه ملت‌ها برای رفتن به سمت معنویت باز می‌شود.

خوش‌قول و با مرام

شهید علی محمودوند

لیلی زهدی

شده است در دو راهی رفتن و ماندن، رفتن را انتخاب کرده باشی. آن هم نه از سر دل که از سر جبر... شده است بروی، اما دلت جا مانده باشد... شده است رفته باشی، اما همه هوش و حواست آنجا مانده باشد.

کانال حنظله خوب می‌داند به علی چه گذشت. حنظله! تو روایت کن. تو بگو چه‌ها گذشت بر علی محمودوند. تو خود شاهد بودی که به هر دری زد، نشد. دیدی که می‌خواست همه قوایش را در بازوانش جمع کند که رفقاییش را یکی‌یکی بر دوش بکشد و به عقب برگرداند، اما... زیر رگبار تیر و ترکش و خمپاره بی‌امان دشمن ممکن نبود. تو دیدی که دلش به رفتن نبود آن هم بدون رفقا... اما رفت. با گریه رفت، ولی با صدای بلند به رفقاییش قول داد برمی‌گردد و با خود می‌بردشان.

مرد میدان شهادت! رفتی و رفقاییت را جا گذاشتی، اما مرامت را نه... به آن‌ها قول دادی. حاضر بودی سرت برود، قولت نه! شیر مادرت حلال. همان مادری که جز با وضو به تو شیر نداد و جز صوت دلنشین قرآن را لالایی شب‌ها و روزهایت نکرد.

و علی محمودوند بازگشت، اما سال‌ها بعد و این بار در لباس تفحص‌گر. مردانه و مصمم جا مانده‌هایش را یافت و گوهر پیکرشان را از زیر خروارها خاک جست و به آغوش کشید. شیردل! می‌دانم سال‌ها با خود آن صحنه‌ها را مرور کرده بودی و هر بار از استیصالت در آن لحظه‌ها رنج برده بودی و حالا احساس می‌کردی هر چند دیر، اما دینت را به دوستانت و خانواده‌هایشان ادا کرده‌ای. سبک شده بودی.

به قولت که عمل کردی زمزمه رفتن کردی... کهکشان می‌خواستی، زمین برایت تنگ بود. رفتی و خاطره خوش‌قولی و خوش‌مرامی‌ات برای همیشه در دل‌ها ماند.



* بالاخره کانال حنظله را پیدا کرد، با همان سبک، چهارصد شهیدی که پایش را گذاشته بود روی‌شان و برگشته بود عقب. عراق همه کانال‌ها را پر کرده بود. روی‌شان را هم کلی مین و تله انفجاری گذاشته بود. هر چه می‌گفت اینجا پر از شهید است کسی حرفش را قبول نمی‌کرد. آن قدر سماجت کرد تا اجازه کار را گرفت. هشت سال توی همین منطقه کار کرد. کم‌وبیش پیدا می‌شدند، اما نه همه‌شان. سرانجام همه را پیدا کرد؛ یکجا. چند روز قبل از شهادتش بود.

* چند وقتی بود شهید پیدا نکرده بودیم. بچه‌ها کلافه شده بودند و دلزده. گفت: «فردا خودم تنها می‌روم.» می‌دانستیم تنها برود دست خالی بر نمی‌گردد. صبح قبل از رفتن، سرش را کرد توی معراج. به شهدا گفت: «به رفیق‌های‌تان بگویید پیدا شوند. چقدر مادرهای‌تان را اذیت می‌کنید، پیر شدند، دارند می‌میرند. عصر با صدای بوق‌بوق ماشین از چادرها پریدیم بیرون، برگشته بود، با شهید.

* تیر تراش می‌زدند. دوشکا و تیربار را کار گذاشته بودند توی خاک، درست مماس با زمین. سرت را که می‌آوردی بالا می‌زدند. خوابیده بود روی زمین. همان‌جا دستش را زد توی خاک و تیمم کرد. درازکش نمازش را خواند. رفت پیش آیت‌الله دستغیب. پرسید تکلیف آن نماز چه می‌شود؟ جواب داد: «حاضرم تمام عمرم را بدهم ثواب آن دو رکعت نماز شما را بگیرم.»

■ دریادلان

چشم‌هایش را باز کرد. هنوز ضریح در دستانش بود. نمی‌دانست چقدر از زمان گذشته. فقط می‌دانست تمام روزهای زندگی‌اش از ذهنش گذشته بود.

صدای روح‌الله در عمق وجودش پیچید.

- زینب، اگه رفتیم کربلا، حاضری حلقه‌هامون رو بندازیم حرم؟
- وای روح‌الله، معلومه که نه. حلقه‌های ازدواج‌مون تنها چیز مشترک بین من و توئه. چه جوری ازش دل بکنم؟
- ولی اگه حلقه‌هامون رو بندازیم حرم، عشق‌مون جاودانه می‌شه‌ها!

- نمی‌دونم. حالا بذار قسمت بشه بریم کربلا، اون موقع تصمیم می‌گیریم.



بعد از شهادت روح‌الله، با خودش عهد کرد هر وقت کربلا قسمتش شد، حلقه‌هایشان را بیندازد داخل ضریح.

کیسه‌ای را از قبل آماده کرده بود و روی آن نوشته بود: «این حلقه‌های من و همسر شهیدم است که در دفاع از حرم حضرت زینب علیها السلام شهید شد. فقط خرج ضریح شود.» حلقه‌هایش را از انگشتش بیرون آورد و درون کیسه انداخت. در کیسه را محکم کرد و آن را انداخت درون ضریح. با چشم مسیر عبورش را دنبال کرد. افتادند کنار قبر مطهر امام حسین علیه السلام.

رو به ضریح گفت: «امام حسین، حلقه‌های ازدواج‌م رو انداختم ضریح تا بگم از بهترین چیزای زندگی‌م گذشتم برای شما. منتهی هم نیست. روح‌الله همه زندگی‌م بود و حلقه‌های ازدواج‌مون تنها چیزی بود که بین‌مون مشترک بود. هر دوی اینها فدای شما.» آرامش عجیبی داشت که تا آن روز تجربه نکرده بود. در ازای تمام چیزهایی که داده بود، یک چیز گرانبها به دست آورده بود. آن هم چیزی نبود، جز روح الله ابدی...

دلنگ نباش، روایت زندگی شهید روح‌الله قربانی، صص ۳۶۳ و ۳۶۴

■ ایستگاه مقدس



امیر حاتمی، در گفت‌وگو با خبرگزاری دفاع پرس: مشکلات اقتصادی کشور با بهره‌گیری از تجارب دفاع مقدس حل می‌شود.

امیر سرتیپ «امیر حاتمی» وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۸ با اشاره به اینکه دوران دفاع مقدس مملو از آموزه‌های متفاوت است، اظهار داشت: باید امروز از لحظه لحظه دفاع مقدس درس گرفت و مهمترین آموزه آن برای ما این بود که فهمیدیم باید روی پای خودمان بایستیم.

وی ادامه داد: در دفاع مقدس فهمیدیم که می‌توانیم در برابر دشمنان ایستادگی کنیم؛ در حوزه دفاع، ما این درس و آموزه را به خوبی فرا گرفتیم و به آن عمل کردیم.

امیر حاتمی درخصوص بهره‌گیری از تجربیات دفاع مقدس در حوزه‌های مختلف گفت: امروز در حوزه دفاع به یک عمق شناخت رسیده‌ایم و توانسته‌ایم با بهره‌گیری از تجربیات و فرهنگ دفاع مقدس دستاوردهای قابل توجهی به دست آوریم.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اشاره به تحریم‌ها و اقدامات دشمن در حوزه‌های مختلف علیه ملت ایران افزود: امروز با خباثت و بی‌رحمی که دشمن علیه ملت بزرگ ایران به خرج می‌دهد، در واقع تلاش می‌کند تا هرآنچه می‌تواند مردم ایران را از حقوق طبیعی خود در عرصه‌های بین‌المللی محروم کند.

سرتیپ حاتمی با بیان اینکه ما از تجربیات دوران دفاع مقدس در عرصه‌های مختلف استفاده می‌کنیم، خاطرنشان کرد: به‌زودی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه عرصه اقتصادی به سمتی خواهیم رفت که روی پای خودمان بایستیم و نقاط ضعفی را که دشمن با سوءاستفاده از آن‌ها روی کشور فشار می‌آورد، برطرف خواهیم کرد.

■ درمان با گیاهان

موارد استفاده دانه و گل های کتان

در شماره قبل مختصری درباره طبایع و مزاجها گفتیم و گفتیم گیاهان، توانایی غلبه بر هر مزاجی را دارند. بدین ترتیب درمی یابیم که حکمت خلقت گیاهان فراتر از آن است که تاکنون کشف شده است. در این شماره و شماره های بعد، موارد استفاده گیاه کتان در درمان چند بیماری ذکر خواهد شد.

مصرف دانه کتان جهت درمان یبوست:

مقدار ۱۰ تا ۲۰ گرم از دانه های کتان معمولی همراه با یک تا دو لیوان آب به صورت خوراکی مصرف شود. بایستی توجه نمود که این دانه ها بدون آنکه جویده شوند همراه آب بلعیده شود و یا به روش دیگر موسیلاژ (لعاب) دانه ها را استخراج و در آب حل و مصرف شود. این دانه ها در معده و روده به حجم زیادی می رسند و اثر مسهل دارند. همچنین این دانه ها را می توان با حریره یا عسل و پنیر خرد شده مخلوط و در صبحانه میل نمود. دانه های کتان به علت دارا بودن موسیلاژ کافی، نرم کننده مناسبی است و در برطرف نمودن یبوست بسیار مفید است.

استفاده از دانه کتان جهت درمان ناراحتی های گوارشی:

در این روش، دانه های کتان معمولی را به مقدار ۳۰ گرم در ۵۰۰ سانتی متر مکعب آب جوش به مدت ۲۰ دقیقه روی بخار آب دم کرده و به وسیله یک صافی مناسب در ظرف شیشه ای ریخته و در حالی که حرارت به مقدار کافی دارد، به مقدار هم حجم آن عسل طبیعی اضافه و حل نموده و از این شربت، روزی سه بار هر دفعه یک فنجان چای خوری مصرف شود. این شربت جهت برطرف نمودن نارسایی های کولون یا قولون (که بخشی از روده بزرگ است که از روده کور تا رکتوم ادامه دارد)، ناشی از موارد استفاده نابجا از داروهای ضدیبوست، تحریک پذیری روده، دیورتیکولیت (آماس) و تورم کیسه های فرعی که در نقاط ضعف دستگاه گوارش تشکیل می شود) مورد مصرف دارد.

درمان بیماری ها با گیاه کتان، دکتر عبدالله پورعبدالله، صفحات ۵۸ تا ۵۹

■ درمان با نوشیدنی ها

نوشیدنی ها را به دو گروه عمده تقسیم می کنند؛ نوشیدنی های سرد و نوشیدنی های گرم.

هر نوع نوشیدنی جایگاه خاص خود را دارد و اگر به موقع استفاده شود، نتیجه جالبی در برخواهد داشت. نوشیدنی ها علاوه بر اینکه نیازمندی های بدن را تأمین می کنند، بسیاری از ناراحتی ها و کسالت ها را نیز برطرف می سازند.

ما قصد داریم از این شماره به بعد در یک ستون، نوشیدنی هایی که برای شما خواننده گرامی مفید است را معرفی کنیم. امید است با استفاده از این نوشیدنی ها، همواره از سلامتی و نشاط کامل برخوردار شوید.

شیربادام

مواد لازم: مغز بادام خام ۵۰ گرم، عسل سه قاشق غذاخوری، آب سرد ۳ لیوان

طرز تهیه: پوست بادامها را جدا کنید و آنها را به همراه آب سرد و عسل در مخلوط کن به طور کامل مخلوط کنید تا مخلوط کاملاً به صورت شیر درآید.

خواص: این نوشیدنی بسیار گوارا است و فواید فراوانی دارد. الکترولیت های بدن را تنظیم می کند، برای رشد کودکان و نوجوانان بسیار مفید است و باعث لطافت پوست می شود و به آن نشاط و شادابی می بخشد.

تذکر: افرادی که چربی خون آنها بالاست، نباید از این نوشیدنی زیاد مصرف کنند.

شربت گلاب

مواد لازم: نبات سفید یک کیلو، گلاب سه کیلو، زعفران نیم مثقال

طرز تهیه: نبات و گلاب را با شعله ملایم بجوشانید. در حین جوشیدن کف آن را بگیرید و صاف نمایید تا نصف شود. سپس زعفران را با گلاب حل کرده و به آن اضافه کنید. هنگام استفاده می توانید با آب سرد یا عرقیات مناسب و فرنجمشک و یا تخم ریحان و... بنوشید.

خواص: جهت تقویت قلب و اعصاب و افسردگی مفید است.

تغذیه در طب ایرانی اسلامی، دکتر غلامرضا کردفشاری و...، صفحات ۱۸۱، ۱۸۲ و ۱۸۷



امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی که شب را سپری کند، درحالی که شوهرش از او در مورد حقی خشمگین باشد، نمازی از وی پذیرفته نمی‌شود تا اینکه همسرش از او خشنود شود.

الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷

ام المؤمنین، الگویی بی‌نظیر برای مؤمنان

قرآن کریم، آنجا که می‌خواهد الگوها و اسوه‌ها را معرفی کند، در کنار اسوه‌بودن حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، الگوها و نمونه‌هایی از زنان وارسته؛ مانند حضرت مریم علیها السلام را به جامعه و مؤمنان معرفی می‌کند. به همین دلیل، بیان فضایل و مقامات حضرت خدیجه علیها السلام می‌تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خدیجه علیها السلام از کامل‌ترین زنان و بهترین الگوهای است که فضایل و مقامات او به حد کمال رسیده است.

حضرت خدیجه علیها السلام یکی از زنان برتر تاریخ و به عنوان یکی از زنان آسمانی همیشه مقرب خدا است. القاب بسیاری در روایات و زیارت‌نامه‌ها برای ایشان بیان شده است؛ «ام المؤمنین»، «سیده نسوان»، «سیده قریش»، «طاهره»، «صدیقه» و «مبارکه» از القاب مشهور او هستند.

شناخت این بانو جدا از وظیفه معرفتی، از آن جهت برای ما مفید است که بتوانیم از انوار ایشان نهایت استفاده را در دنیا بکنیم و بیشترین تقرب در آخرت را به او داشته باشیم؛ اما اگر شناختی نسبت به این بانو نداشته باشیم، از فیوضات و عنایات ایشان محروم خواهیم ماند. ایشان به قدری عظمت دارد که پیامبر در خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «إِنَّ بَطْنَ أُمَّكَ كَانَتْ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً» = شکم مادر تو ظرف امامت بود. یعنی در عظمت ایشان همین بس که خداوند از بین بهترین زن‌های عالم یک زن را برای اینکه شکمش جایگاه نور وجودی حضرت زهرا علیها السلام و ظرف امامت باشد، انتخاب کرد و آن وجود مقدس حضرت خدیجه کبری علیها السلام است.

او بانوی بسیار مجلل و یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های خانواده آسمانی‌مان است که القابی برای او ذکر شده است که نشانگر عظمت و رفعت اوست. یکی از القاب ایشان که در قرآن هم آمده ام‌المؤمنین است. خداوند زن‌های پیامبر را به نام ام‌المؤمنین خطاب می‌کند که پیامبر در مورد ایشان فرمود: «برترین و بهترین مادران مؤمنین، خدیجه علیها السلام است.»؛ یعنی در بین همه همسران پیامبر هیچ کسی مقام حضرت خدیجه کبری علیها السلام را نداشت و اساساً کسی قابل مقایسه با ایشان نبود. به طوری که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات این بانو همیشه می‌گفتند: خداوند هیچ همسری مثل خدیجه علیها السلام را به من عطا نکرده، من هیچ‌وقت همسری مثل او نداشتم.



ام المؤمنین
علیها السلام

ایمان خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فضایل و مقامات خدیجه علیها السلام دارد. این فضایل عبارت‌اند از:

۱- او ارزش‌های واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در برابر فریبندگی‌های ظاهری و دنیوی فهمید و درک کرد.

۲- معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون آن را تنها در وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یافت، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند.

۳- خدیجه علیها السلام به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشان‌دهنده اظهار برتری باشد از خود بروز نمی‌داد.

۴- خدیجه علیها السلام صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و...، بردباری ویژه‌ای از خود نشان داد.

۵- با این همه سختی و فشار، خدیجه علیها السلام خم به ابرو نمی‌آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت، شفیقانه گرد وجود پیامبر می‌گشت و با سیمای خندان خود، غم‌ها را از رخ آن حضرت می‌زدود و به‌سان یاور، وزیر و کمک‌رسانی توانمند، او را یاری می‌کرد.

بصیرت و ژرف‌نگری حضرت خدیجه علیها السلام که باعث انتخاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای همسری‌اش گردید، همان عامل ایمان و اسلام او نیز گشت و باعث شد که لقب اول زن مسلمان را به خود اختصاص دهد.

منابع:

۱- میقات حج، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۱۰۵

۲- سخنرانی استاد محمد شجاعی

بیماری و پاک‌شدن گناهان

و به یکی از یارانش که بیمار بود، فرمود: خدا آنچه را که از آن شکایت داری (بیماری)، موجب کاستن گناهانت قرار داد، در بیماری پاداشی نیست؛ اما گناهان را از بین می‌برد و آنها را چونان برگ پاییزی می‌ریزد و همانا پاداش در گفتار به زبان، و کردار با دست‌ها و قدم‌هاست، و خدای سبحان به خاطر نیت راست و درون پاک، هرکس از بندگانش را که بخواهد وارد بهشت خواهد کرد.

حکمت ۴۲

حکومت وهم و خیال وجود انسان زمینه‌ساز نفوذ شیطان

شیطان، هم از راه اندیشه و عقل نظری در انسان نفوذ می‌کند و هم برای انگیزه و عقل عملی او دام می‌گستراند.

چنانکه در بسیاری از موارد، علت موفقیت شیطان در فریب انسان‌ها، ضعف آنها در بهره‌گیری از قدرت تفکر و تعقل‌شان است. از همین رو وهم و خیال بر آنان غلبه کرده و عنان کار را به دست می‌گیرند.

شیطان هنگامی می‌تواند انسان را از مسیر عبودیت حق منحرف کند، که:

انتخاب‌ها، ارتباطات، افکار و رفتار او از سر عقلانیت و بصیرت صورت نپذیرفته باشد؛

یعنی کاری را صرفاً به خاطر:

تحریک قوه شهویه، غضبیه و یا به خاطر یک لذت وهمی و خیالی زودگذر که مطابقت با عقل و شرع ندارد، انجام دهد. غافل از آنکه با دست خود، زمینه را برای نفوذ شیطان در وجودش فراهم کرده است.

یکی از راه‌ها برای غلبه بر چنین وسوسه‌هایی آن است که:

هرگاه در ذهن انسان افکار آلوده پدید آمد، باید از پروراندن آن در ذهن خودداری کرده و با معطوف‌نمودن تمام توجه به امور معنوی و مقدس و همچنین تمرکز بر روی خوبی‌ها و نقاط قوت افراد، زمینه و دستگیری نفوذ و میدان‌داری شیطان در حیطه نفس را از بین برد.

فرد و جامعه متعالی در کلام امام رضا (ع)
استاد محمد شجاعی
چکیده صفحات ۸۲ تا ۸۹

تمرین و تدریج

تمرین و تدریج، در قوت در عبادت مؤثر است؛ به عکس تحمیل که نفرت‌زا و خستگی‌آور است. کم مستمر بهتر از زیاد ملال‌آور است؛ قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ اَرْجَى مِنْ كَثِيْرٍ مَمْلُوْلٍ مِنْهُ. (حکمت ۲۷۸ نهج‌البلاغه)

همیشه یک‌چیز کم و مستمری را بین خود و خدایتان داشته باشید که این پیوند مستمر، باعث نجات آدمی است و او را به نتیجه می‌رساند.

نقل می‌کنند عده‌ای از کرمانشاه عازم کربلا بودند که در راه مورد هجوم راهزن‌ها و دزدان قرار گرفتند و کاروان غارت شد. یک نفر از اهل کاروان که جان سالم به در برده بود و امکان و پولی هم به همراه داشت، می‌گوید: از کنار تپه‌ای بالا آمدم. سیاه چادرهایی دیدم. پیرمردی آنجا بود. بر او وارد شدم. از من پذیرایی کرد. امانتم را به او سپردم. چیزی نگذشت که غارت کاروان تمام شد. دیدم که از کنار تپه‌ها، دزدان به سمت همین سیاه چادرها می‌آیند و اشیاء دزدی را در داخل چادرها می‌گذارند. معلوم شد که پیرمرد، رئیس دزدان این منطقه است. با خودم گفتم آنها کاروان را غارت کردند، من خودم اموال را به دستشان سپردم. دزدها که در چادرها جمع شدند، دیدم هوا پس است، یواش یواش راه افتادم تا لاقط جانم را نجات دهم که پیرمرد صدا زد؛ کجا می‌روی؟ گفتم اجازه بدهید می‌روم. پیرمرد گفت بیا امانتت را بگیر. تعجب کردم. وقتی اموال را گرفتم، زبانم باز شد. گفتم اگر اجازه دهید سؤال دارم. گفت بگو. پرسیدم مگر شما رئیس اینها نیستید؟ من که با دست خودم آورده‌ام؟ پیرمرد گفت درست است که ما دزدی می‌کنیم، اما طاعی نیستیم و به خاطر فقرمان دزدی می‌کنیم و با خود پیمانی بسته‌ایم که در امانت خیانت نکنیم. این خط را نگه داشته‌ایم.

آنچه که مهم است همین است که انسان چیزی برای خود باقی بگذارد و دستاویزی داشته باشد و بر همه چیز نشورد و پشت پا نزند و همه درها را به روی خود نبندد و پل‌ها را خراب نکند.

آیه‌های سبز، علی صفایی حائری، صص ۱۰۲ و ۱۰۳

در گرد شمع وجود یار

لیلا ادیب(اوج)

حب الحسین یجمعنا. اینجا همه جمع‌اند؛ زائران حسین، خادمان حسین و عاشقان حسین... چه اجتماع عظیمی، چه همایش بزرگی! چه حکایتی دارد این سرزمین. چه رازی نهفته است در این پیمایش، چه کرده است صاحب این سرزمین با دل‌ها... از گوشه گوشه جهان همه آمده‌اند با هر زبان و هر نژاد و هر قومیتی. شیعه و سنی، عرب و عجم، مسیحی و یهودی... خدایا چه کسی جز پسر فاطمه(س) می‌توانست این همه ملیت را یکجا و در یک مسیر لبیک‌گویان کنار هم جمع کند. خدایا پس از ۱۴۰۰ سال از آن واقعه جانگداز این چه حکایتی است؟! شنیده بودم ماه هیچ‌وقت زیر ابر نمی‌ماند. این، همان حکایت است. می‌دانم... ماه روی حسین از زیر ابر جبر یزیدیان بیرون زده.

اینجا زائر و خادم ندارد. همه گرد شمع وجود حسین(ع) در تکاپوی‌اند؛ یکی با پاهای تاول‌زده و کتف و کول خسته در طریق حسین، یکی شبانه‌روز خدمتگزار میهمانان حسین(ع). میهمان‌نوازتر از این میزبانان در همه عالم نیست. وه که چه عشقی، چه شوری و چه اشتیاقی. «هلاویکم زائر»، «هلاویکم زائر»(خوش آمدی زائر) در همه طول مسیر به گوش می‌خورد، آن هم با صدای بلند و صد البته از صمیم دل... عشق به زوآراب‌عبدالله و تشرّف‌گویی‌شان را صدا که نه، جار می‌زدند. شاید می‌خواستند عشق به امام حسین(ع) و زوآرش را به رخ عالم بکشند و بگویند همه دار و ندارشان را که هیچ، حاضرند چشمان‌شان را فرش راه زائران حسین(ع) کنند. که بگویند زائر حسین(ع) برکت سرزمین‌شان و دعای حسین(ع) در اکرام میهمانانش بدرقه راه‌شان خواهد بود. این میزبانان عاشق سر از پا نمی‌شناختند و به راستی طبق اخلاص را خوب معنا کردند.

بی‌دریغ و با خلوص هر چه داشتند وسط گذاشتند برای عاشقان و راهیان کوی پسر فاطمه؛ از چای غلیظ عراقی برای رفع خستگی از تن و جان‌شان تا به قول خودشان ماء بارد(آب سرد) شان در رفع عطش‌شان ...

اینجا قصه، قصه چشم‌های نمناک است؛ همان چشمانی که از اشتیاق دیدار مضجع منور حسین(ع) به اشک نشست. همان چشمانی که عمود به عمود در قصه غصه‌های زینب(س) و پریشانی رقیه(س) گریست. همان چشمانی که از شوق قدم به قدم رفتن در طریق الحسین قطره قطره به آب دیده تر شد.

و امان از چشمانی که از قافله جا ماند و در حسرت کوی حسین(ع) به خون نشست. همان چشمانی که آرام بسته شد و بی‌هیچ کلامی با السلام علیکی به اباعبدالله از دور خودش را تسکین داد.

حسین(ع) حق بود و این است دلیل این همه عاشقی. و این جاذبه، این التهاب، این کشش برای گفتن لبیک به این حقانیت است.



امام باقر علیه السلام فرمود:
در زمان امام مهدی علیه السلام به شما
حکمت (و دانش) داده می‌شود،
تا آنجا که زن در درون خانه‌اش
مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر
قضاوت می‌کند.

غیبت نعمانی، باب ۱۳، ج ۳، ص ۳۳۷

ما در دوره بین‌الطوعین هستیم

«کسی که بفهمد در چه زمانی
زندگی می‌کند، امور بر او مشتبه
نمی‌شود.» (الکافی، ج ۱، ص ۲۶)
حضرت امام خمینی فرمودند: «ما
منتظر طلوع خورشیدیم.» این را
گفتند تا بدانیم که در بین‌الطوعین
هستیم. بین‌الطوعین وقت اقامه
نماز است. وقتی طلوع آفتاب شد،
نماز، قضاست. آنها که گذاشته‌اند
حضرت ظهور کنند تا کار کنند،
همان‌هایی هستند که می‌خواهند
بعد از طلوع آفتاب، نماز بخوانند.
وقت نماز حلاست. بدانیم در چه
زمانی زندگی می‌کنیم.

بین‌الطوعین یعنی چه؟ یعنی
سیاهی به منتها درجه‌اش رسیده
و فجر طالع شده باشد. ما منتها
ایه ظلم را پشت سر گذاشته‌ایم.
بیش از سیصد هزار شهید، این
همه حافظ و قاری قرآن، حضور
جوان‌ها در اعتکاف، احیای شب
قدر و مسجد جمکران و... همه
اینها از آثار نور بین‌الطوعین
است. قدیم اینگونه نبود.

همه دنیای استکبار بسیج شده‌اند
تا سوریه را زمین بزنند و تنها به
دلیل مقاومت این مملکت شیعه
نتوانسته‌اند. این عزت ماست و
اینها همه از نشانه‌های نور دوره
بین‌الطوعین است.

حکومت جهانی خدا
آیت‌الله حائری شیرازی، ص ۶۲



برگزاری کاروان زیارتی کربلای معلی در موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

کاروان ۸ روزه و
کاروان ویژه ۱۱ روزه ۲ شب جمعه در کربلا
نجف - سامرا - کاظمین
زمینی و هوایی
همراه با وام بدون سود و حتی کارمزد

تلفن تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۵ داخلی (۲ و ۴)

شروع ثبت نام سومین دور وام ۳۰ میلیون تومانی
با کارمزد ۲ درصد

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام
همه روزه از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ الی ۱۶
تماس حاصل نمایید

۵۵۳۹۰۱۲۰ - ۵۵۴۸۲۰۲۵ داخلی (۱)



راه های ارتباطی با مجتمع فرهنگی_علمی شهدا

ا زده

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

سایت انگلیسی: www.toplife4you.com

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام موسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تراز چهارراه لشگر

روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی

غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵

سردبیر: سرکار خانم زهرابادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

واحد پژوهش مجتمع فرهنگی_علمی شهدا

بهای هر شماره:

ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)